

مدرنیسم و پسامدرنیسم در رمان

برایان مک‌هییل، لیندا هاجن، پتریشا وُ، ...

(ویراست جدید)

گزینش و ترجمه‌ی

دکتر حسین پاینده

(استاد نظریه و نقد ادبی دانشگاه علامه طباطبائی)



انتشارات نیلوفر

فهرست مطالب

مقدمه‌ی مترجم ۷

بخش نخست

مدرنیسم

پیرنگ در رمان مدرن / آرتور هانیول ۱۳

رمان درون‌گرا / جان فلچر و مالکوم برادبری ۳۳

بخش دوم

پسامدرنیسم

پسامدرنیسم و ادبیات / بری لوتیس ۷۵

بی‌نظمی زمانی در روایت رویدادها ۸۳

تقلید ۸۵

ازهم‌گسیختگی ۸۸

تداعی نامنسجم اندیشه‌ها ۹۲

پارانویا ۹۵

دور باطل ۱۰۰

اختلال زبانی در داستان‌های پسامدرنیستی ۱۰۳

- گذرا از مدرنیسم به پسامدرنیسم در ادبیات داستانی / برایان مک‌هیل ۱۰۷
- عنصر غالب ۱۱۶
- بکت ۱۳۲
- روب-گری یه ۱۳۷
- فوننتس ۱۴۱
- ناباکف ۱۴۹
- کوور ۱۵۳
- پینچن ۱۵۷
- مدرنیسم و پسامدرنیسم: تعریفی جدید از خودآگاهی ادبی / پتریشاؤ ۱۶۹
- تحلیل چهارچوب‌ها: فراداستان و چهارچوب شکنی ۱۸۳
- بازی کردن، بازی و فراداستان ۱۹۴
- جهانی ساخته شده از زبان: واقعیت به منزله‌ی امر برساخته ۲۱۸
- فراداستان تاریخ‌نگارانه: سرگرمی روزگار گذشته / لیندا هاجن ۲۴۱

بخش سوم

واژه‌نامه‌ها

- واژه‌نامه‌ی فارسی به انگلیسی ۲۹۳
- واژه‌نامه‌ی انگلیسی به فارسی ۳۰۵
- نمایه ۳۱۵

پیرنگ در رمان مدرن

آرتور هانیول^۱

شاید بهترین راه ارائه‌ی شرحی کلی و تا حد ممکن واضح از ماهیت پیرنگ در رمان مدرن، این باشد که خود مفهوم پیرنگ را به اختصار مورد بررسی قرار دهیم. در مقاله‌ای با عنوان «بحثی پیرامون مفهوم پیرنگ با اشاره به رمان تام جونز» - که یکی از معدود کوشش‌های اخیر برای شرح و بسط ایده‌ی پیرنگ به منزله‌ی یک مفهوم نقادانه‌ی اساسی است -، ر.س. کرین ابتدا تاریخچه‌ای از این اصطلاح را ذکر می‌کند و سپس در تعریف آن می‌نویسد: «پیرنگ تلفیق زمانی خاص نویسنده است از عناصر واقعه، شخصیت و اندیشه که محتوای داستانی بر ساخته‌ی او را تشکیل می‌دهند.»^۲ این تعریف می‌تواند نقطه‌ی آغازی برای بحث ما باشد، زیرا تحلیل کوتاهی از مفهوم پیرنگ به منزله‌ی تلفیق زمانی محتوای رمان، برخی از امکانات بسط این عنصر را آشکار خواهد کرد و نشان خواهد داد که - در تقابل با

1. Arthur Honeywell

2. R.S. Crane, "The Concept of Plot and the Plot of *Tom Jones*," in *Critics and Criticism; Ancient and Modern*, ed. R.S. Crane (Chicago: University of Chicago Press, 1952), p. 620.

امکانات سایر عناصر داستان - کارکرد پیرنگ در بسیاری از رمان‌های مدرن چیست.

اگر پیرنگ را نوعی تلفیقِ زمانی عناصر داستان محسوب کنیم، بدیهی است که در آن صورت پیرنگ واجد دو ویژگی مهم است. نخست این که، به صورت یک قاعده‌ی سامان‌دهنده و وحدت‌بخش عمل می‌کند. به سخن دیگر، پیرنگ تلفیقی را فراهم می‌آورد تا خواننده تمام مطالب رمان را انسجام‌یافته و به صورت موضوعی واحد و یکپارچه - که عبارت باشد از خود آن رمان در تمامیتش - تجربه کند. دو دیگر این که، پیرنگ به واسطه‌ی زمان عمل می‌کند. از آن جا که قرائت رمان فرایندی است که در زمان رخ می‌دهد، و نیز از آن جا که پیرنگ رمان عبارت است از سامان این فرایندِ زمانی، پس ناگزیر پیرنگ هر رمان این خصوصیت را دارد که در زمان بسط می‌یابد. از این جا این پرسش مطرح می‌شود که تلفیق‌های زمانی را چگونه می‌توان به وجود آورد.

برای این که پیشرفتِ زمانی وقایع رمان از نظر خواننده کلیتی دلالت‌دار و سامان‌یافته تلقی شود، سه شرط را به هر نحو ممکن باید رعایت کرد. اولاً، وقایع می‌بایست آغاز و نیز فرجامی مشخص داشته باشند. در غیر این صورت، وقایع رمان را از حوادث قبلی و بعدی نمی‌توان متمایز کرد و نتیجتاً ادراک یا احساس خواننده مؤید انسجام در آن وقایع نخواهد بود. ثانیاً، پیشرفت وقایع می‌بایست به نحوی از ضرورت ناشی شود، یعنی هر واقعه‌ای باید از وقایع قبلی سرچشمه بگیرد و به وقایع بعدی منجر شود. در صورت عدم رعایت این موضوع، حاصل کار آمیزه‌ای از شکل‌های گوناگون پیشرفت وقایع خواهد بود و نه پیشرفتی واحد. ثالثاً، وقایع رمان می‌بایست همگی به نحوی با یکدیگر مرتبط باشند، به این مفهوم کلی که تمام آن رخدادها باید به «دنیایی» واحد یا به «برداشتی واحد از واقعیت» مربوط شوند. به عبارت دیگر، باید زمینه‌ای کلی در کار باشد که هم آغاز و

فرجام رمان و توالی رویدادهای آن را در بر بگیرد و هم این که به آن‌ها دلالت ببخشد. در غیر این صورت، خواننده نخواهد توانست وقایع رمان را به منزله‌ی اجزاء کلیتی منسجم ادراک یا تجربه کند، بلکه آن وقایع صرفاً پیامدهای تصادفی تعامل‌هایی بی‌هدف و پیشبینی‌نشده و فاقد هرگونه ارتباط متقابل معنادار خواهند بود. هرچند که هر سه‌ی این شروط باید در هر رمانی رعایت شوند (یا - در موارد خاصی که نویسنده در پی ایجاد تأثیری نامعمول است - عمداً نادیده گرفته شوند)، اما معمولاً رمان‌نویسان بر یکی از این سه شرط تأکید می‌گذارند و دو شرط دیگر را تابع آن می‌سازند. بر این اساس، سه شکل مختلف پیرنگ را می‌توان از یکدیگر متمایز کرد.

رمان‌نویسان قرن هجدهم گرایش داشتند که پیرنگ رمان‌های‌شان، از آغاز و فرجام مشخصی برخوردار باشد. پیشرفت زمانی رمان‌های آنان حرکتی بود از نقطه‌ی آغازی طبیعی به سوی فرجامی قطعی (فرجامی که - در صورت طنزآمیز بودن ساختار رمان - از نوعی می‌بود که با جمله‌ی معروف «و از آن پس آنان به خوبی و خوشی زندگی کردند» تمام می‌شد). تلفیق زمانی پیرنگ این رمان‌ها را تک‌واقع‌های به وجود می‌آورد که - معمولاً به سبب بخت‌برگشتگی یک شخصیت یا برملا شدن موضوعی - از آغازی طبیعی به سوی فرجامی طبیعی حرکت می‌کرد. این همان نوع پیرنگی است که ارسطو در رساله‌ی *شعرشناسی* بررسی می‌کند و استاد کرین نیز در تحلیل رمان *تام جونز*^۱ به آن نظر دارد.

یکی از دشواری‌های خلق چنین پیرنگ‌هایی، ایجاد احساس قطعیتی درخور فرجام رمان است. رمان‌نویسان قرن هجدهم این مشکل را بیشتر با

۱. *Tom Jones*، رمانی نوشته‌ی هنری فیلدینگ (Henry Fielding، ۱۷۵۴-۱۷۰۷)، رمان‌نویس انگلیسی. (م)